



درشکه‌چی

(ماجرای نزاع ذبیح درشکه‌چی و حسن رحمتی در اراک)

یوسف نیک‌قام



۱۳۹۴

سرشناسه: نیک فام، یوسف، ۱۳۴۹ -
 عنوان و نام پدیدآور: درشکه چی: (ماجرای نزاع ذبیح درشکه چی و حسن رحمتی در اراک)
 مشخصات نشر: تهران: آیندگان، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری: ۹۲ ص: مصور؛ ۱۵ × ۵/۲۱ س م
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۸۰-۹۹-۵
 وضعیت فهرست نویسی: فیپای مختصر
 یادداشت: فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
 یادداشت: نمایه شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۸۱۸۹۱



نام کتاب: درشکه چی (ماجرای نزاع ذبیح درشکه چی و حسن رحمتی در اراک)
 مؤلف: یوسف نیک فام
 ناشر: آیندگان
 چاپ: بهمن
 نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴
 ناظر فنی چاپ: مسعود حیدری
 صفحه آرای: مرتضی حیدری
 طرح جلد: سینا صفری
 تیراژ: ۱۰۰۰
 قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۸۰-۹۹-۵

مرکز پخش: اراک، کتابفروشی طلوع، خیابان شکرایی، روبه روی مجتمع

پزشکی فارابی، تلفن ۳۲۲۴۱۰۲۵

تماس با مؤلف: y.nikfam@gmail.com

«کلیه حقوق کتاب برای مؤلف محفوظ است»

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۷	مقدمه
۱۱	جوانمردان که بودند؟
۱۷	ذبیح درشکه‌چی که بود؟
۲۳	ماجرای نزاع ذبیح درشکه‌چی و حسن رحمتی
۴۵	داش اکمل همان حسن رحمتی است
۵۹	اینجا زندان است
۶۳	عکسی با کلاه شاپو
۶۹	ذبیح درشکه‌چی در سینما
۹۱	منابع

مقدمه

کمتر کسی در اراک هست که نام «ذبیح درشکه‌چی» را حتی برای یک بار هم که شده نشنیده باشد. او را می‌توان نشانه دوره خاصی از یک زمانه در اراک دانست. زمانه‌ای که کلاه مخملی‌ها و لات‌ها در شهر جولانگاهی یافته بودند و بر اسب مراد خود می‌تاختند و هر آنچه را که می‌خواستند انجام می‌دادند.

ذبیح زمانی معروف به ذبیح درشکه‌چی، اولین مرد این مردان کلاه مخملی نبود. او نیز همانند هم سلکانش، نوچگانی را در اطراف خود داشت و برای فرمانروایی خود قلمرویی که پاتوقش بود و آنجا را قرق می‌کرد.

ذبیح آن‌چنان که همه می‌دانند، یکی از سورچیان شهر بود و با درشکه مسافران شهر را جا به جا می‌کرد و به مقصد می‌رساند. کمتر کسی در اراک از خانواده و نزدیکان او خبر دارد. کودکی او چگونه

گذشته بود و چرا به جرگه لات‌ها پیوسته بود و چرا زندگی او سرنوشت تلخی پیدا کرد؟

زندگی او آن‌چنان کنجکاوی برانگیخت که محمد متوسلانی کارگردان قدیمی سینمای ایران بر اساس زندگی او و فیلمنامه‌ای که ابراهیم مکی نوشته بود، فیلمی سینمایی به نام «ذبیح» ساخت. این فیلم باعث شد تا آوازه و شهرت ذبیح در ذهن کسانی که فیلم را دیدند تا سالها بماند و نام اراک با نام او در ذهن حتی غیر اراکی‌ها حک شود.

سأله‌است با خود در کلنجار بودم که آیا زندگی کسی که آلوده به خلافتکاری و لالت‌بازی بوده ارزش پرداختن دارد یا نه؟ پاسخی در خور برای این سؤال که می‌تواند سؤال خوانندگان این کتاب نیز باشد، آن است که همان قدر انسانهای فرزانه و فاضل می‌توانند در زندگی دیگران تأثیر گذار باشند، انسانهایی که راه درستی و صواب را به فراموشی سپرده‌اند نیز تأثیری دیگرگونه خواهند گذاشت. مصداق آن، ضرب‌المثل حکیمانه‌ای است در فرهنگ تربیتی سرزمین ما که می‌گوید: «ادب از که آموختی از بی‌ادبان» از این روی پرداختن به زوایای پنهان و آشکار زندگی چنین کسی که با گذشت سالیانی دراز از زمانه و دوران زیست او، همچنان نام او به بدنامی و شرارت برده می‌شود، می‌تواند اثراتی حکمت آموز و تربیتی برای زندگی و زمانه ما باشد. متأسفانه ما اغلب وقتی موفق به دانستن حقایق محکم و متقن درباره یک شخصیت نمی‌شویم به تخیل و رؤیاسازی درباره وجوه

پنهان و غیرقابل دسترس فرد مسورد نظر پناه می‌بریم. شخصیت ذبیح در شبکه چپی و نقل‌هایی که اغلب درباره او در شهر بیان می‌شود نیز رؤیاپردازانه و ساختگی است. عده‌ای او را جوانمردی می‌دانند که به فقرا و مستمندان شهر یاری می‌رسانده است و اگرچه به خلاف و خلافکاری مشغول بوده، اما مردی مردم‌دار و نودوست معرفی می‌شود. عده‌ای دیگر یکسره او را فردی بی‌سر و پا و شرور معرفی می‌کنند. این گونه اظهار نظر درباره یک شخصیت تاریخی غیرمنصفانه و غیرمنطقی است. در این نوشتار سعی شده است به دور از هر گونه داوری غیرمنصفانه و با استناد به یافته‌های تحقیقی - نه صرفاً شایعات، گفته‌ها، نظرات و شنیده‌هایی که اغلب از سر ناراستی و نادرستی بیان می‌شود و چهارچوبی ساختگی و خیال‌انگیز داشته و دارد - به گوشه‌ای از زندگی و زمانه یکی از معروفین شهر اراک پرداخته شود.

نویسنده ادعا نمی‌کند که حقیقت این ماجرای سراسر پیچیده را به تمامی و بی‌کم و کاست و بدون هیچ نقصی روایت کرده است، اما تلاش کرده است تا در حد امکان، مقدمات و منابع موجود از واقعه مذکور پرده بردارد و نوری بر این پرده تاریک بتابد.